

نقد نظریه شیعه ملی آذری کشور آذربایجان



شمت و یکمین کرسی آزاد اندیشی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با ارائه کارشناس منطقه ای نقسا، با موضوع « نقد نظریه شیعه ملی آذری کشور آذربایجان» در تاریخ چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ و با شرکت پژوهشگران پژوهشگاه مطالعات تقریبی و فعالان فرهنگی حوزه کشور آذربایجان به صورت حضوری و مجازی برگزار گردید.

ناقد کرسی در پنج بخش مطالب خود را بیان داشت که در این گزارش به اختصار آورده می شود:

معرفی کشور آذربایجان و تبیین وضعیت سیاسی و فرهنگی آن؛

معرفی ساختار اجتماعی – هویتی جمهوری آذربایجان؛

تبیین نظریه شیعه ملی آذری؛

عوامل حساسیت و انگیزه حکومت برای اعمال نظریه شیعه ملی آذری؛

نقد نظریه شیعه ملی آذری.

معرفی کشور آذربایجان و تبیین وضعیت سیاسی و فرهنگی آن:

آذربایجان تنها جمهوری شوروی سابق است که پس از فروپاشی شوروی، در آن ترکیب جمعیتی شیعه و سنی با ترکیب ۸۳ درصد شیعه و ۱۳ درصد سنی مطرح شده است. این ویژگی ریشه در تاریخ این کشور دارد و چند قرن حاکمان صفوی شیعی و حاکمان عثمانی سنی برای برتری مذهبی و سیاسی بر یکدیگر در این منطقه به مبارزه پرداختند. با این حال، از آغاز قرن ۱۹ به بعد، نه ایرانیان و نه عثمانی‌ها قادر به اعمال نفوذ در آذربایجان نشدند؛ چرا که هم‌افق‌های جنوبی توسط روسیه سقوط کرده و تحت کنترل یک قدرت سوم قرار گرفت. با توجه به سلطه طولانی شوروی و روسها بین سالهای ۱۸۲۸ - ۱۹۹۱ و حاکمیت تفکر سکولاریسم و کمونیسم قرائت کهن شیعه و سنی در منطقه، اهمیت پیشین خود را از دست داد. در نتیجه، با گذر زمان نزد عموم مردم تمایز و تفاوت‌های بین اسلام شیعی و سنی تا حد زیادی کم‌رنگ شد. با پایان یافتن اتحاد جماهیر شوروی و اتصال مجدد و تدریجی جمهوری آذربایجان به سایر نقاط جهان اسلام، تفاوت‌های بین شیعه و سنی در میان مسلمانان آذربایجانی مجدداً پررنگ‌تر شد.

تبیین ساختار اجتماعی - هویتی جمهوری آذربایجان:

جامعه آذربایجان دارای عناصر پایداری فرهنگی است که از اصالت بومی و محلی برخوردارند؛ نظیر گویش آذری، احساس قومیت ترک، دلبستگی و افتخار به مفاخر و شخصیت‌های بومی و محلی، چون نظامی گنجوی، فضولی، خاقانی، شهریار و... اعتقاد به تقدس قرآن کریم، اعتقاد به دعا و نذر و نیاز، اعتقاد به امام علی(ع) و امام حسین(ع) و به ویژه مراسم با شکوه عزاداری ماه محرم، استقبال جوانان و نوجوانان آذری از مراسم نماز جماعت، دعای کمیل و نماز جمعه، مراجعه تدریجی مردم معتقد به فهم مسائل مذهبی، گرایش اولیه به پوشش اسلامی از سوی برخی زنان و نظایر آن.

تبیین نظریه شیعه ملی آذری:

بر اساس این نظریه آذربایجانی‌ها شیعه بودن و ترک بودن را به‌عنوان دوجنبه اساسی هویت ملی خود تلقی می‌کنند و در شیعه بودن از مبانی و آداب و سنن هیچ کشوری تبعیت نمی‌کنند؛ بلکه تفکرات شیعی

دیگر را افراطی و خارج از قواعد همزیستی مسالمت آمیز می‌دانند.

عوامل حساسیت و انگیزه حکومت برای اعمال نظریه شیعه ملی آذری:

سکولار بودن حکومت کشور آذربایجان؛

نفوذ اسرائیل در حکومت و دولت کشور آذربایجان؛

سیاست اسرائیل مبنی بر سیطره بر آذربایجان جهت تسلط بر ایران و منطقه؛

پرهیز از تعامل و ارتباط با ایران به دلیل میل حکومت به گرایش به جمعیت حداکثری جهان اسلام که اهل سنت هستند و بهره‌مندی از فواید تعامل با آنها؛

حمایت و نشر وهابیت از طرف ترکیه و عربستان و تبلیغ آن در آذربایجان؛

وجود حساسیت های مذهبی در پیروان همه مذاهب؛

وجود طیف روشنفکران مسلمان که علاوه بر سکولار دانستن حکومت، خواهان دموکراتیزه شدن جامعه هم هستند؛

(آنها منابع اصلی اسلام را در پرتو نیازهای جامعه مدرن باز تفسیر میکنند. مهمترین نماینده این تفکر، افرادی مثل :نریمان قاسمقلویف، عربیدان است که قرآن را به زبان ترکی ترجمه کرده است)

تجدید حیات اسلامی و ایجاد روابط مردم با جهان اسلام به‌ویژه کشورهای مانند ایران، ترکیه و برخی از کشورهای عربی؛ تقویت گرایش‌های فرقه‌های ناشی از رشد دینی؛

(به‌عنوان مثال، در حالی که دانشجویان آذربایجان در سایه مطالعات و تحصیلات خود در قم، مشهد و دیگر شهرهای مقدس شیعه، ایده‌ها و اندیشه‌های جدید شیعی را فرا می‌گرفتند، نهادهای تبلیغ دینی ترکیه با استفاده از سازمان‌های خصوصی و دولتی این کشور در گسترش آگاهی و درکی جدید از اندیشه و شعور سنی در آذربایجان تلاش مینمودند.)

لزوم مماشات با مذهب شیعه به دلیل وجود حزب اسلامی آذربایجان که طرفدار اسلام شیعی سیاسی است. مزیت این حزب این است که اکثر مردم مذهبی آذربایجان، آن را نه به عنوان حزب سیاسی، بلکه به عنوان نماینده اسلام در حوزه عمومی میدانند. ملی دانستن سنت های اسلامی؛

(اکثر آذربایجانیها اسلام و شیعه بودن را به عنوان بخشی از هویت ملی خود تلقی میکنند و سنتهای اسلامی و عقاید دینی جزئی از زندگی اغلب مردم آذربایجان است؛ اما به دلیل بهم ریختگی مرزهای مذهبی با قلمرو سیاسی، اغلب به عنوان سنت ملی دیده میشود و نه سنت مذهبی).

قدرت اجتماعی جریان اسلام شیعی در آذربایجان به مراتب بیشتر از قدرت سیاسی شان است. اسلام در ذات و ماهیت هویت انسان آذربایجانی نقش محوری داشته است. ظرفیت تبدیل شدن به قدرت سایه برای حاکمیت جمهوری آذربایجان در طیفهای اسلامگرا بیشتر از جریان غرب گرا است.

با توجه به عوامل فوق، حکومت سکولار آذربایجان از سویی باید با مذهب شیعه مماشات نماید و از سویی دیگر موجبات انحراف آن را فراهم آورد. روشنفکران سکولار آذربایجان در اوایل قرن بیستم با طرح آرمانهایی مثل مردمگرایی، ترک گرایی و دموکراسی خواهی و پلورالزم دینی، یک هویت ملی جدیدی برای مردم آذربایجان ایجاد کنند که دین و مذهب در آن یا نقشی نداشته باشد و یا اگر داشت نقش عرضی و ثانوی باشد. از این رو نظریه شیعه ملی آذری را بهترین گزینه برای تحقق اهداف خود دانست.

نقد نظریه شیعه ملی آذری

کشور آذربایجان تنها کشور مسلمان با اکثریت شیعی قفقاز شناخته میشود از این رو برخلاف نگاه دولت سکولار آذربایجان، مذهب نقش بسزایی در میان مردم این کشور ایفا میکند. تشیع نقش برجستهای در ایجاد وفاق ملی در طول تاریخ برای حفظ کیان سرزمین آذربایجان داشته است، با اینحال، دولت آذربایجان به دلیل ماهیت سکولار و لائیک خود، در زمره کشورهایی است که به واسطه تأکید بیش از حد بر ملیگرایی، مانع از عنصر قدرتمند دین مشترک به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده «دولت – ملت» در محدوده سرزمینی خود می باشد. حاکمیت آذربایجان برآورد درستی از پتانسیل قشر دیندار جامعه دارد و تلاش دارد به جای انکار، به مهندسی و مدیریت روندهای درون پارادایمی جریانات اسلام گرا بپردازد. در شیعه ملی فقط پوسته مذهب وجود دارد و عاری از روح مذهب و پویایی است. در واقع این شیعه با شیعه

مبتنی بر مکتب اهل بیت(ع) اختلاف ماهوی دارد. مرکز ثقل شیعه ملی، ترک بودن است و مقدم بر مذهب می‌باشد. با تکیه بر پلورالیزم دینی، وهابیت در حال رشد است و شیعه ملی انگیزه‌ای برای حراست از عقاید خویش ندارد. در این صورت مانعی برای استحاله مذهبی و از بین بردن غلبه مذهبی شیعه وجود نخواهد داشت.

در پایان این کرسی پرسش و پاسخ متناسب با بحث انجام شد و پس از آن به صورت موسع طی یک جلسه مستقل بعد از پایان کرسی شرکت کنندگان و کارشناس کرسی به تبادل نظر پرداختند.